

تاریخ نگاری محلی ایران در دوره اسلامی

از سقوط عباسیان تا پایان صفویان / ۶۵۶ - ۱۱۳۵ ق.

دکتر بهمن زینلی



تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی از سقوط عباسیان تا پایان صفویان (۶۵۶-۱۱۳۵ق)

دکتر بهمن زینلی
(عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان)



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پاییز ۱۳۹۸

زینلی، بهمن، ۱۳۵۰ -
 تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی: از سقوط عباسیان تا پایان صفویان (۱۱۳۵-۶۵۶ق) // بهمن
 زینلی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸.
 نه، ۲۶۲ص: جدول، نمودار. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۵۰۷: تاریخ اسلام؛ ۱۱۵)
 ISBN: 978-600-298-271-1
 بهاء: ۳۰۰۰۰۰ ریال
 فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
 کتابنامه: ص. [۲۳۳]-۲۴۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
 ۱. تاریخ‌نویسی اسلامی - ایران. ۲. عباسیان - تاریخ - قرن ۷ق. ۳. ایران - تاریخ - صفویان، ۹۰۷-۱۱۴۸ق.
 الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
 ۹۰۷ / ۲۰۱۷۶۷۱ DS ۳۵ / ۶۵
 شماره کتابشناسی ملی
 ۵۷۵۷۰۳۷



تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی از سقوط عباسیان تا پایان صفویان (۶۵۶ - ۱۱۳۵ق)
 مؤلف: دکتر بهمن زینلی (عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان)
 ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
 صفحه‌آرایی: کاما
 چاپ اول: پاییز ۱۳۹۸
 تعداد: ۳۰۰ نسخه
 لیتوگرافی: سعیدی
 چاپ: قم - جعفری
 قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.
 قم: شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۳۲۱۱۱۱۰۰ - ۰۲۵ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰)
 نمایر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۷۱۸۵ ● تهران: خیابان انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰ - ۰۲۱
 مرکز بخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۳۷۸۴۲۶۳۵ - ۰۲۵
www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه السلام بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۵۰۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته‌های تاریخ اسلام، تاریخ تمدن اسلامی و تاریخ ایران در مقطع کارشناسی تا دوره دکتری تهیه شده است؛ البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مؤلف محترم اثر جناب آقای دکتر بهمن زینلی و نیز از ارزیاب گرامی جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد دشتی سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۷	فصل اول: کلیات
۷	۱-۱. تعریف تاریخ‌نگاری محلی
۸	۲-۱. انواع تاریخ‌نگاری محلی
۸	۱-۲-۱. تاریخ‌نگاری محلی قدیم
۹	۲-۲-۱. تاریخ‌نگاری محلی جدید
۱۱	۳-۲-۱. تاریخ‌نگاری محلی در طول
۱۲	۴-۲-۱. تاریخ‌نگاری محل در عرض
۱۳	۳-۱. رابطه تاریخ‌نگاری محلی با تاریخ‌نگاری عمومی
۱۵	۴-۱. انواع تاریخ‌های محلی
۱۷	۵-۱. اهمیت تاریخ‌های محلی
۱۹	۶-۱. محتوای تاریخ‌های محلی
۱۹	۷-۱. مآخذشناسی
۲۰	۱-۷-۱. تاریخ‌های محلی
۲۰	۲-۷-۱. کتاب‌شناسی
۲۱	۳-۷-۱. منابع ادبی
۲۳	۴-۷-۱. تاریخ‌های تاریخ‌نگاری
۲۵	فصل دوم: تاریخ‌نگاری محلی ایران
۲۵	۱-۲. آغاز تاریخ‌نگاری محلی ایران
۲۸	۲-۲. انواع تاریخ‌های محلی از سال ۶۵۶ تا ۱۱۳۵ق
۲۹	۱-۲-۲. تاریخ‌نامه‌های محلی
۲۹	۲-۲-۲. فرهنگ‌نامه‌های محلی
۲۹	۳-۲-۲. مزارنویسی

۳۰	۴-۲-۲. ترجمه تاریخ‌های محلی
۳۰	۵-۲-۲. تاریخ‌های محلی سلسله‌ای، وقف‌نامه‌ها و منابع جغرافیایی
۳۱	۳-۲. اهداف، ارزش و اهمیت پژوهش و علل و انگیزه‌های تاریخ‌نگاری محلی در ایران
۳۲	۴-۲. مختصات تاریخ‌های محلی ایران از سال ۶۵۶ تا ۱۱۳۵
۳۴	۵-۲. پراکندگی زمانی تاریخ‌های محلی
۳۵	۶-۲. پراکندگی جغرافیایی تاریخ‌های محلی ایران از سال ۶۵۶ تا ۱۱۳۵ ق
۳۶	۷-۲. ضعف‌های تاریخ‌های محلی ایران
۳۹	فصل سوم: تاریخ‌نامه‌های محلی
۳۹	۱-۳. کلیات
۴۰	۲-۳. پراکندگی زمانی تاریخ‌نامه‌های محلی
۴۰	۳-۳. پراکندگی جغرافیایی
۴۱	۴-۳. جایگاه نویسندگان
۴۱	۵-۳. انگیزه‌های نویسندگان
۴۲	۶-۳. مخاطبان تاریخ‌نامه‌های محلی
۴۳	۷-۳. بیان ساختار و محتوا
۴۵	۸-۳. کتاب‌شناسی تاریخ‌نامه‌های محلی
۴۵	۱-۸-۳. تاریخ‌نگاری محلی در یزد
۴۶	۱-۱-۸-۳. تاریخ یزد (۸۵۱ق)
۴۹	۲-۱-۸-۳. تاریخ جدید یزد (۸۶۲)
۵۲	۳-۱-۸-۳. جامع مفیدی
۵۵	۲-۸-۳. تاریخ‌نگاری محلی کرمان
۵۶	۱-۲-۸-۳. تاریخ شاهی
۵۹	۲-۲-۸-۳. سِمْطُ الْعُلَى لِلْحَضْرَةِ الْعُلَیَا
۶۱	۳-۲-۸-۳. بَم‌نامه
۶۲	۴-۲-۸-۳. سلجوقیان و غز در کرمان، از محمد بن ابراهیم
۶۴	۵-۲-۸-۳. تذکره صفویه کرمان مشیزی
۶۸	۳-۸-۳. تاریخ‌نگاری محلی فارس
۷۱	۱-۳-۸-۳. شیرازنامه ابن‌زرکوب
۷۶	۲-۳-۸-۳. ریاض الفردوس
۷۸	۴-۸-۳. تاریخ‌نگاری محلی سیستان
۷۹	۱-۴-۸-۳. تاریخ سیستان
۸۵	۲-۴-۸-۳. احیاء الملوک
۸۹	۵-۸-۳. تاریخ‌نگاری محلی کردستان و روم

۹۱	۱-۸-۳. مسامرة الاخبار و مسامرة الاخبار
۹۳	۲-۵-۸-۳. شرفنامه بدلیسی
۹۹	۶-۸-۳. تاریخ‌نگاری مازندران و گیلان
۱۰۱	۱-۶-۸-۳. تاریخ رویان
۱۰۴	۲-۶-۸-۳. تاریخ طبرستان، رویان و مازندران
۱۰۹	۳-۶-۸-۳. تاریخ گیلان و دیلمستان
۱۱۱	۴-۶-۸-۳. تاریخ خانی
۱۱۴	۵-۶-۸-۳. جامع الامثال
۱۱۷	۶-۶-۸-۳. تاریخ فتوحات فریدونیه
۱۲۰	۷-۶-۸-۳. تاریخ گیلان
۱۲۵	۸-۶-۸-۳. تاریخ مازندران
۱۲۷	۹-۶-۸-۳. تاریخ خاندان مرعشی مازندران (۱۰۷۵ق)
۱۳۱	۷-۸-۳. تاریخ‌نگاری محلی خراسان
۱۳۳	۱-۷-۸-۳. تاریخ‌نامه هرات سیفی هروی
۱۳۷	۲-۷-۸-۳. روضات الجنات فی اوصاف مدینة هرات
۱۴۳	فصل چهارم: فرهنگ‌نامه‌های محلی
۱۴۳	۱-۴. کلیات
۱۴۴	۱-۱-۴. پراکندگی زمانی و جغرافیایی فرهنگ‌نامه‌های محلی
۱۴۴	۲-۱-۴. جایگاه نویسندگان فرهنگ‌نامه‌های محلی
۱۴۵	۳-۱-۴. انگیزه‌های نویسندگان فرهنگ‌نامه‌های محلی و مخاطبان آنها
۱۴۵	۴-۱-۴. ساختار و محتوای فرهنگ‌نامه‌های محلی
۱۴۶	۲-۴. کتاب‌شناسی فرهنگ‌نامه‌های محلی
۱۴۶	۱-۲-۴. تذکره مشایخ قم
۱۴۸	۲-۲-۴. رساله در احوال و مفاخر و مناقب شهر قم
۱۵۰	۳-۲-۴. فردوس در تاریخ شوشتر و برخی از مشاهیر آن، (نیمه پایان سده یازدهم)
۱۵۲	۴-۲-۴. تذکره شوشتر جزایری
۱۵۵	فصل پنجم: مزارنویسی در ایران
۱۵۵	۱-۵. کلیات
۱۵۶	۱-۱-۵. مزارنویسی در ایران
۱۵۷	۲-۱-۵. پراکندگی جغرافیایی و زمانی کتاب‌های مزارات
۱۵۸	۳-۱-۵. گرایش فکری نویسندگان کتاب‌های مزارات
۱۵۸	۴-۱-۵. اهداف نویسندگان مزارات و مخاطبان آنها
۱۵۹	۵-۱-۵. زبان و اهمیت ادبی آثار مزارنویسی

۱۶۰	۱-۵-۶. ساختار و محتوای آثار مزارنویسی
۱۶۱	۲-۵. کتاب‌شناسی مزارات
۱۶۱	۱-۲-۵. شدّ الازار فی حطّ الاوزار عن زوّار المزار
۱۶۴	۲-۲-۵. قنديه
۱۶۵	۳-۲-۵. تاريخ ملازاده
۱۶۸	۴-۲-۵. تذکره هزار مزار (ترجمه شدّ الازار - مزارات شیراز)
۱۷۰	۵-۲-۵. مقصد الاقبال سلطانيه و مرصد الآمال خاقانيه
۱۷۲	۶-۲-۵. وسیلة الشفاعات
۱۷۳	۷-۲-۵. تذکرة الاولياء
۱۷۴	۸-۲-۵. رُوضاتُ الجنّان و جنّاتُ الجنّان
۱۷۶	۹-۲-۵. روضة اطهار
۱۷۹	فصل ششم: ترجمه‌های تاریخ‌های محلی
۱۷۹	۱-۶. کلیات
۱۸۰	۱-۱-۶. پراکندگی جغرافیایی و زمانی ترجمه‌های تاریخ‌های محلی
۱۸۰	۲-۱-۶. گرایش فکری و جایگاه علمی مترجمان تاریخ‌های محلی
۱۸۱	۳-۱-۶. انگیزه‌های مترجمان تاریخ‌های محلی
۱۸۲	۴-۱-۶. ویژگی‌های ترجمه‌های تاریخ‌های محلی
۱۸۳	۲-۶. کتاب‌شناسی ترجمه‌های تاریخ‌های محلی
۱۸۳	۱-۲-۶. تاریخ قم
۱۸۷	۲-۲-۶. ترجمه محاسن اصفهان
۱۹۱	۳-۲-۶. ترجمه فضائل بلخ و شمایل اهالی آن
۱۹۵	فصل هفتم: تاریخ‌های محلی سلسله‌ای، وقف‌نامه‌ها و جغرافیای تاریخی
۱۹۵	۱-۷. کلیات
۱۹۷	۱-۱-۷. پراکندگی جغرافیایی و زمانی تاریخ‌های سلسله‌ای، وقف‌نامه‌ها و جغرافیای تاریخی
۱۹۷	۲-۱-۷. گرایش فکری و جایگاه علمی نویسندگان
۱۹۸	۲-۷. کتاب‌شناسی تاریخ‌های محلی سلسله‌ای، وقف‌نامه‌ها و منابع جغرافیای تاریخی
۱۹۸	۱-۲-۷. مواهب الهی
۲۰۰	۲-۲-۷. تاریخ آل مظفر
۲۰۲	۳-۲-۷. مجمع الانساب
۲۰۵	۴-۲-۷. جامع الخیرات
۲۰۹	۵-۲-۷. خلاصة البلدان
۲۱۰	۶-۲-۷. رساله طریق قسمت آب قلب
۲۱۵	جمع‌بندی

۲۲۱	ضمیمه‌ها
۲۳۳	منابع و مأخذ
۲۳۳	کتاب‌ها
۲۳۹	پایان‌نامه‌ها
۲۳۹	مقالات
۲۴۴	کتب انگلیسی
۲۴۵	نمایه‌ها
۲۴۵	نمایه اعلام
۲۵۳	نمایه آثار
۲۵۹	نمایه مکان‌ها

مقدمه

تاریخ‌نگاری محلی یکی از شاخه‌های مهم و تأثیرگذار در حوزه کلان تاریخ‌نگاری ایران در دوره اسلامی است. سنت تاریخ‌نگاری ایرانی دارای میراث فراوان و تجربه ارزشمندی از آثار پدید آمده در حوزه تاریخ‌های محلی است که توسعه و تداوم تدوین این آثار در طول تاریخ ایران پس از اسلام کارنامه درخوری از خود نشان داده و هرچه به سمت تاریخ معاصر پیش می‌رود، عرصه‌ها و مضمون‌های جدیدی را دربر می‌گیرد. مضمون‌هایی که با توجه به توسعه نظام‌های اداری و رونق امور ثبتی، سجلی، اسنادی و آماری، زمینه به‌کارگیری عناصر جدیدی مشتمل بر، آمار و اسناد در تدوین تاریخ‌نگاری محلی را فراهم می‌کند.

وجود گنجینه ارزشمندی از متون تاریخ‌های محلی، شکل‌گیری نظام‌های اداری، اجتماعی و اقتصادی جدید و گسترش شهرنشینی نوین باعث توجه ویژه محققان و این کتاب به این حوزه شده است. این کتاب نیز در راستای همین ضرورت به نقد و بررسی تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی در میانه سال‌های ۶۵۶ تا ۱۳۵۱ ق، می‌پردازد.

از سقوط بغداد به دست مغولان تا سقوط اصفهان به دست افغان‌ها، طی سال‌های ۶۵۶-۱۳۵۱ ق/ ۱۲۵۸-۱۷۲۲ م، ایران شاهد حکومت ایلخانان، دوران فترت، تیموریان، ترکمانان و صفویان بوده و همزمان، سلسله‌های محلی بسیاری در نواحی مختلف ایران تشکیل شدند. تدوین تاریخ جامع و دقیق این دوره از تاریخ ایران، نیازمند آگاهی کامل از محتوای همه منابع تاریخی از جمله تاریخ‌های محلی نوشته شده در این زمان است.

از آنجا که تاکنون پژوهشی جامع در بررسی و تحلیل تاریخ‌های محلی نوشته شده در این دوره، انجام نگرفته و تحقیقات سامان‌دهی شده درباره تاریخ ایران از سال ۶۵۶-۱۳۵۱ ق/ ۱۲۵۸-۱۷۲۲ م، بیشتر به تاریخ‌های عمومی متکی‌اند از این‌رو انجام یک پژوهش دقیق در این باره، بسیار ضروری

است؛ چرا که امکان دستیابی به اطلاعات دقیق و جزئی درباره ابعاد مختلف حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی در این دوره، بدون بررسی و تحلیل تاریخ‌های محلی امکان‌پذیر نیست و پژوهشگران در مطالعات تاریخی خود با فقدان منابعی که ظرفیت تاریخ‌های محلی نوشته شده در این دوره را از همه ابعاد نشان دهد، مواجه‌اند. وجود آثار بسیار در تاریخ‌نگاری محلی ایران از سال ۶۵۶-۱۳۵/ق تا ۱۲۵۸-۱۷۲۲م، و بیان اطلاعات متنوع و دقیق از سوی این آثار درباره اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نواحی و شهرهای مختلف ایران، ضرورت بررسی و تحلیل دقیق و گسترده آنها را ایجاب می‌کند تا بتوان از ظرفیت‌های کامل تاریخ‌های محلی برای رسیدن به این هدف استفاده کرد. مواد موجود در تاریخ‌های محلی از جهت ارائه اطلاعات دقیق، مستندات، سبک‌شناسی و حوزه‌های مطالعات تاریخی امکان پژوهشی علمی و دقیق را در تاریخ ایران دوره یادشده فراهم می‌آورد.

در این پژوهش، سعی شده تا افزون بر معرفی تاریخ‌های محلی ایران که از سال ۶۵۶-۱۳۵/ق تا ۱۲۵۸-۱۷۲۲م. تدوین شده‌اند، به انواع تاریخ‌های محلی در این دوره نیز پرداخته شود. مجموع آثاری که در طی این دوره زمانی تاکنون شناسایی شده‌اند ۴۷ عنوان هستند که بیشتر آنها تصحیح و چاپ شده و تنها دو اثر تاکنون بازبایی نشده‌اند. از سوی دیگر، سعی شده است تا با تجزیه و تحلیل محتوای تاریخ‌های محلی، این مسئله روشن شود که آثار بررسی‌شده تا چه میزان از جهت ارائه اطلاعات تاریخی، معتبر بوده و مطالب آنها از جهت پرداختن به موضوعات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تا چه اندازه مؤثر هستند. همچنین، تلاش شده که با بررسی و فهم این منابع، ظرفیت موجود در آنها، شناسایی شود تا امکان تحقیقات دقیق‌تر در تاریخ ایران در دوره یادشده، بیشتر فراهم آید.

مسئله پژوهش حاضر، ارزیابی و نقد محتوای تاریخ‌های محلی تدوین‌شده در ایران از سال ۶۵۶ تا ۱۳۵/ق، است. آثار تدوین‌شده در این دوره، از جهت روش و محتوا به هفت گروه تقسیم شده‌اند که عبارت‌اند از: تاریخ‌نامه‌های محلی، فرهنگ‌نامه‌های محلی، کتاب‌های مزارات، تاریخ‌های محلی ترجمه‌شده از زبان عربی به فارسی، تاریخ‌های دودمانی، وقف‌نامه‌ها و کتاب‌هایی که در حوزه جغرافیای تاریخی تدوین شده‌اند.

نکته دیگر اینکه برخی آثار تاریخی محلی به شیوه‌ای تدوین شده‌اند که هم‌زمان در دو یا سه قالب از قالب‌های یادشده قرار می‌گیرند و اصرار بر قرار دادن در یک قالب خاص، نمی‌تواند

توجیه علمی داشته باشد. اما در این تحقیق، وجه غالب این آثار دیده شده و برخی از آنها که این ویژگی‌ها را داشتند، در قالبی قرار گرفتند که بیشترین نقش را در آن شاخه از خود ارائه داده‌اند. افزون‌تر آنکه در این پژوهش تنها آثاری بررسی شده‌اند که بیشتر محتوای آنها مباحث تاریخی مربوط به یک شهر، یا منطقه جغرافیایی معین است. از این‌رو، آثار جغرافیایی، مانند معجم البلدان یا البلدان که مباحث تاریخی بسیاری دارند و اطلاعات فراوانی هم درباره مناطق مختلف ایران به دست می‌دهند، در این پژوهش بررسی نشده‌اند؛ چرا که این آثار، جغرافیایی عمومی بوده و برخلاف برخی آثار که در این پژوهش با عنوان جغرافیای تاریخی مطالعه شده‌اند، صرفاً درباره یک شهر یا منطقه تدوین نشده‌اند. نکته دیگر اینکه، به مباحثی چون زبان تاریخ‌های محلی، پراکندگی زمانی و جغرافیایی تاریخ‌های محلی، بررسی موارد ضعف تاریخ‌های محلی و تعداد آنها نیز پرداخته شده است.

این پژوهش، از چند جهت واجد اهمیت است؛ نخست اینکه پژوهشی بدین‌گونه، برای نخستین بار صورت می‌گیرد و تاکنون پژوهشی با گستردگی لازم درباره تاریخ‌های محلی ایران در طی سده هفتم تا دوازدهم هجری انجام نشده است. در زمینه کلی بحث، می‌توان با آثاری روبه‌رو شد، ولی در همه حال، تکیه‌نگاری‌ها، وجه غالب آنهاست. دیگر اینکه تقسیم‌بندی تاریخ‌های محلی دوره تحقیق، واجد امتیاز بازنشاسی طبقات تاریخ محلی دوره میانه ایران است. افزون بر این، نقد و بررسی کتاب‌های مزارنویسی (مزارات) از جمله امتیازهایی است که می‌تواند مقدمه‌ای برای تدوین یک اثر مستقل درباره تاریخ مزارنویسی (مزارات) در ایران، در دوره‌های مختلف تاریخی باشد. این پژوهش در هفت فصل تدوین شده است.

فصل اول شامل «کلیات» است و ضمن تعریف تاریخ‌نگاری محلی، به انواع تاریخ‌های محلی، اهمیت، محتوا و مواد تشکیل‌دهنده آنها، پیشینه تحقیق و معرفی منابع پژوهش، پرداخته است. فصل دوم با عنوان «تاریخ‌نگاری محلی در ایران»، ضمن اشاره‌ای مختصر به آغاز تاریخ‌نگاری محلی در ایران، به انواع آن از نیمه سده هفتم تا نیمه سده دوازدهم هجری پرداخته است که شامل: تاریخ‌نامه‌های محلی، فرهنگ‌نامه‌های محلی، کتاب‌های مزارات، ترجمه‌های تاریخ‌های محلی، تاریخ‌های سلسله‌ای، وقف‌نامه‌ها و کتاب‌های جغرافیای تاریخی هستند و افزون بر بیان اهداف مؤلفان این آثار، مختصات تاریخ‌های محلی ایران در طی دوره یادشده، از جهت ویژگی‌ها، کاربرد نتایج آنها، زبان، پراکندگی زمانی و جغرافیایی، تعداد و اشکال‌های آنها نیز بررسی شده‌اند.

در فصل سوم، آن بخش از آثار بررسی شده‌اند که به لحاظ محتوای مطالب، در قالب تاریخ‌نامه‌های محلی قرار گرفته‌اند. در مدخل این بخش، آثار یادشده از جهت پراکندگی زمانی، جغرافیایی، جایگاه نویسندگان، انگیزه‌های تدوین‌کنندگان، مخاطبان و ساختار محتوایی، معرفی شده و سپس به صورت مجزا، از جهت سابقه مؤلف، اهداف مؤلف، ساختار و محتوای تاریخی مطالب و ساختار ادبی کتاب بررسی شده در مجموع ۲۵ تاریخ‌نامه محلی نقد و بررسی شده‌اند. نکته درخور توجه این است که تاریخ‌نامه‌های محلی مورد مطالعه در این فصل، از لحاظ حجم مطالب و اطلاعات موجود در آنها، یکسان نبوده و درباره بعضی از آثار، تحقیقات مستقلی صورت گرفته و تحلیل‌های متنوعی درباره آنها به دست داده شده است و بر این پایه، اطلاعات بیشتری درباره این آثار وجود دارد. اما درباره برخی تاریخ‌های محلی، تاکنون مطالعه‌ای صورت نگرفته و درباره شرح حال مؤلف و تحلیل محتوایی اثر، اطلاعات اندکی وجود دارد.

در فصل چهارم، به بررسی فرهنگ‌نامه‌ها پرداخته شده و در مدخل این فصل، ضمن تحلیل و تشریح پراکندگی زمانی و مکانی آثار یادشده، به انگیزه‌های مؤلفان و بررسی و تحلیل ساختار محتوایی آنها نیز پرداخته شده است. سپس فرهنگ‌نامه‌های محلی در طی دوره یادشده که تعدادشان چهار عنوان بوده، از جهت شرح حال مؤلفان و متن آثار، همانند تاریخ‌نامه‌های محلی نقد و بررسی شده‌اند. در فصل پنجم، به نقد و بررسی کتاب‌های مزارات پرداخته شده است که پس از بیان پراکندگی زمانی و جغرافیایی و بیان انگیزه‌های کلی مؤلفان این گونه آثار و ساختار کلی آنها، در بخش کتاب‌شناسی، مجموعاً نه کتاب نقد و بررسی شده‌اند. نکته درخور تذکر این است که شباهت‌های بسیاری میان فرهنگ‌نامه‌ها و کتاب‌های مزارنگاری وجود دارد که تفکیک و تقسیم‌بندی این آثار از یکدیگر را مشکل می‌سازد که در این پژوهش، براساس وجه غالب این آثار، آنها در دو فصل فرهنگ‌نامه‌ها و کتاب‌های مزارات، تقسیم شده‌اند.

در فصل ششم، به نقد و بررسی آن دسته از تاریخ‌های محلی پرداخته شده است که قبل از سده هفتم به زبان عربی تألیف شده است، اما بعدها به زبان فارسی ترجمه شده‌اند. در این فصل، سه کتاب تاریخ محلی، پژوهش شده و به مانند فصل‌های پیشین، این آثار از جهت شرح حال مؤلف و محتوای متن، ارزیابی شده‌اند. نکته گفتنی درباره این آثار آن که این ترجمه‌ها شامل اطلاعات جدیدی هستند که مترجمان خود به این آثار افزوده‌اند.

در فصل هفتم نیز به شش اثری پرداخته شده که اگرچه با هدف و انگیزه تاریخ محلی تدوین نشده‌اند، اما به لحاظ موادی که در آنها هستند و اهدافی که نویسندگان آنها داشته‌اند، از منابع

تاریخ‌نگاری محلی به شمار می‌آیند. این آثار در سه قالب، تاریخ‌های سلسله‌ای (دودمانی)، وقف‌نامه‌ها و کتاب‌های جغرافیای تاریخی تدوین شده‌اند.

پایان‌بخش این پژوهش، یک نتیجه‌گیری است که در آن با توجه به استناد به نتایج حاصل از بررسی متن پژوهش، نوآوری‌های این پژوهش نیز بیان شده و پیشنهادهایی در راستای تحقق اهداف بیان شده، مطرح شده‌اند.

در این مجال فرصت را مغتنم می‌شمارم از مسئولان پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به‌ویژه مدیر محترم گروه تاریخ جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای رمضان محمدی که زمینه چاپ این اثر را فراهم نمودند، و نیز کارشناس محترم گروه تاریخ جناب آقای اسماعیل یارمحمدی که افزون بر امور اداری مربوط به این کتاب، نمونه‌خوانی و نمایه‌گیری اثر را بر عهده داشته‌اند، و نیز از مجموعه اداره آماده‌سازی و انتشارات تشکر کنم.

در پایان لازم است از همکاری‌ها و راهنمایی‌های آقایان دکتر محمدعلی چلونگر، دکتر اصغر منتظرالقائم و دکتر مصطفی پیرمردیان کمال سپاسگزاری را بنمایم.

بهمن زینلی

کلیات

۱-۱. تعریف تاریخ‌نگاری محلی

به‌طور مشخص، تاریخ‌نگاری محلی به ثبت و ضبط وقایع تاریخی در محدوده یک مکان (شهر، ایالت، ناحیه) اطلاق می‌شود و به باور عده‌ای، ذیل تاریخ معاصر قرار می‌گیرد (رحیم‌لو، ۱۳۸۴، ص ۳). پژوهشگران وابسته به مکتب تاریخ‌نگاری انگلیس، به‌ویژه دانشگاه لستر، در اواخر دهه ۱۹۵۰م، بر این باور بودند که تاریخ‌نگاری محلی مطالعهٔ پیدایش، رشد و انحطاط جوامع است و آن را بخشی از تاریخ ملی در نظر گرفته‌اند. اما کارول کامن، با نقد تعریف یادشده، بر این باور است که تاریخ‌نگاری محلی تنها بخشی از تاریخ ملی نیست، بلکه مطالعه حوادث گذشته گروهی از مردم در منطقه جغرافیایی خاص است که بر طیف گسترده‌ای از شواهد مستند پایه‌گذاری شده و در بستری مقایسه‌گونه، به مطالعه منطقه‌ای و ملی می‌پردازد.^۱ درواقع، او قائل به استقلال تاریخ‌نگاری محلی است و وابستگی کامل آن را به تاریخ ملی نمی‌پذیرد.

صرف نظر از دو نگاه یادشده، باید گفت: تاریخ‌نگاری محلی به‌رغم تمرکز جغرافیایی محدودش، طیف گسترده‌ای از نیازها، شامل تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک جامعه و فرهنگ آن را پوشش می‌دهد. تاریخ‌نگاری محلی مطالعه سرگذشت مردم است، نه صرفاً سرگذشت حکومت‌ها. بدون شک وجه اصلی و مشخصه تاریخ‌نگاری محلی، پیوند آن با یک عرصه مکانی محدود و مشخص است. عناصر سیاسی، فرهنگی، اجتماعی یا اقتصادی در تعیین و تشخیص آن دارای تقدم نیستند، بلکه مثلث اداری، طبیعی و فرهنگی، حیطه آن را تعیین می‌کنند.

1. Kammen, C. (1996), *On Doing Local History*, Altamira Press, p.4.

۲-۱. انواع تاریخ‌نگاری محلی

پیش از آنکه به انواع تاریخ‌های محلی اشاره شود، لازم است با توجه به ورود شاخه نوین تاریخ‌نگاری محلی در عرصه مطالعات تاریخی، نخست، به تاریخ‌نگاری محلی و انواع آن اشاره شود. پژوهشگران در بیان انواع تاریخ‌نگاری محلی، دو عامل را در نظر قرار داده و براساس آنها تاریخ‌نگاری محلی را از نظر سبک نگارش و نگرش تقسیم‌بندی کرده‌اند. بر این اساس، تاریخ‌نگاری محلی از نظر سبک نگارش به دو بخش «تاریخ‌نگاری محلی قدیم» و «تاریخ‌نگاری محلی جدید» و از نظر نگرش، به دو بخش «تاریخ‌نگاری محلی در طول» و «تاریخ‌نگاری محلی در عرض» تقسیم شده است.^۱

۱-۲-۱. تاریخ‌نگاری محلی قدیم

این تاریخ‌نگاری از نظر سبک نگارش ویژگی‌های خاص خود را دارد و همین ویژگی‌ها، آن را از تاریخ‌نگاری محلی جدید جدا ساخته است. این ویژگی‌ها و به تعبیری دیگر این تفاوت‌ها، در زمینه‌ها و انگیزه‌های نگارش، جنس موضوعات، فلسفه و روش کارکرد، ویژگی نویسندگان، نگاه چشم‌انداز، دایره خوانندگان یا مخاطبان و منابع درخور مشاهده‌اند. انگیزه مورخان تاریخ‌های محلی قدیم، رشد شهرها و نواحی، علاقه شخصی و علمی، تشویق دوستان یا حکمرانان، رقابت‌های مذهبی، شهری، عشیره‌ای و حزبی، شعوبی‌گری، کسب ثواب و اجر اخروی، ملاحظات فقهی و دینی (کلامی)، علاقه به شهر و دیار خود و گردآوری اخبار و اطلاعات مهم درباره شهر مورخ بوده است. جنس موضوعاتی که مورخان تاریخ‌های محلی قدیم بدان پرداخته‌اند، منفرد و مستقل بوده و مباحثی چون اقلیم و جغرافیای شهرها، عجایب و راه‌ها، سرگذشت‌نامه‌های رجال سیاسی، دیوانیان، قضات، اهل محل و غربا، زندگی شعرا، محدثان و فقیهان، طبقات صوفیه، اصناف و محلات، امور حکمرانی، فرهنگی و اخلاقی، خانواده و شهرنشینی است. «فلسفه و روش کار مورخان محلی قدیم، واگرایی و تمایز بوده و بیشتر با شیب گذشته‌گرایی زیاد و با هدف ارتقاء اخلاقی مخاطبان و اغنای آنها، به‌ویژه با رشد احساسات محلی در همه ابعاد، همراه بوده است.^۲ چشم‌انداز و نگاه تاریخ‌نگاران محلی قدیم، همان محدوده منطقه و محل خود بوده و با توجه به دایره محدود خوانندگان، مطالب آنها بیشتر با فولکلور ترکیب شده است. کارکرد تاریخ‌های

۱. نورایی، «جغرافیای تاریخی و تاریخ محلی»، تعاملات و تمایزات، کتاب ماه، ش ۱۶۳، ص ۴.

۲. همان، ص ۴.

محلّی قدیم، متنوع و گوناگون بوده و مخاطبان متفاوتی داشته‌اند، اما این آثار فاقد نوگرایی بوده و بیشتر به یک سبک و سیاق پیش رفته‌اند و از علوم دیگر کمک نگرفته‌اند.^۱

مورخان محلّی قدیم اطلاعات خود را به‌طور عمده از قول افراد با سابقه در محل ذکر کرده و افزون بر این، منبع اطلاعاتی آنها مشاهده‌های شخصی، گزارش‌های مورخان عمومی و اسناد دیوانی بوده است. عمده‌ترین ویژگی‌های تاریخ‌نگاری محلّی قدیم عبارت‌اند از:

۱. کلی‌نگری در برخی موارد و توصیفی بودن مطالب آنها؛
۲. نبودن تحلیل در برخی تاریخ‌های محلّی قدیم؛
۳. بی‌دقتی در ارائه آمار و گاه ارائه آمار کلی؛
۴. نگارش تاریخ با دید از بالا به پایین؛
۵. مورخان تاریخ‌نگاری محلّی قدیم بیشتر، محدثان و طبقات تحصیل کرده و دیوانیان و افراد رده متوسط به بالای جامعه محسوب می‌شدند و خود، دست‌اندرکار قدرت بوده‌اند؛
۶. استناد به برخی روایات و احادیث ضعیف درباره اهمیت حوزه جغرافیایی مورد پژوهش؛
۷. غلبه احساسات بر قلم، به‌طور خاص درباره مفاخرنویسان و به‌طور عام، درباره دیگر مورخان، هنگامی که به مقایسه شهر خود با دیگر شهرها می‌پردازند؛
۸. انگیزه نوشتن اغلب کتاب‌های تاریخ محلّی سنتی، بیان فضایل شهر خود و رقابت آن شهر با دیگر شهرها بوده است، مانند شیرازنامه^۲ و تاریخ قم^۳؛
۹. سلیقه‌ای بودن نگارش کتاب‌های تاریخ محلّی سنتی قدیم و روشمند نبودن این کتاب‌ها. محلّی‌نگاران کهن، بنا به سلیقه، کتاب خود را نوشته‌اند. چنان که درباره مازندران، آنچه ابن اسفندیار در تاریخ طبرستان آورده، با آنچه اولیاءالله آملی در تاریخ رویان نوشته، متفاوت است. با آنکه بخش‌هایی از کتاب اخیر، از کتاب ابن اسفندیار رونویسی شده است، باز چون سلیقه و دیدگاه دو نویسنده یکسان نبوده، حاصل کار هم متفاوت شده است.

۲-۲-۱. تاریخ‌نگاری محلّی جدید

این تاریخ‌نگاری، برخلاف تاریخ‌نگاری محلّی قدیم، از رشد اندیشه‌های مردم‌سالاری، نقش دستگاه‌های دولتی، احزاب و سازمان‌های مردم‌نهاد، رقابت‌های فرهنگی شهرها، ملاحظات

۱. سادات، «بایدها و نبایدهای تاریخ‌نگاری محلّی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۵۶، ص ۲۶.

۲. ابن زرکوب، شیرازنامه، ص ۱۱.

۳. قمی، تاریخ قم، ص ۱۴.

سیاسی و اجتماعی، وطن‌پرستی و مشارکت اجتماعی تأثیرپذیر بوده است. هرچند در زمینه‌هایی چون علاقه‌های شخصی و تشویق دوستان، با تاریخ‌نگاران محلی قدیم اشتراکاتی دارد. در تاریخ‌نگاری محلی نوین، جنس موضوعات میدانی و اندام‌واره‌ای بوده و شامل مباحث اجتماعی، آموزشی، اداری، دینی، اقتصاد و معیشت، کشاورزی و زمین‌داری، اصناف و صنعت، تجارت، امنیت، بهداشت و تغذیه، خانواده، سیاست و قانونگذاری، شهر و شهرسازی، فرهنگ و هنر قضایی است. در تاریخ‌نگاری محلی جدید برخلاف روش قدیم که واگرایی و تمایز مشاهده می‌شود، همگرایی و تشابه حاکم است و شیب گذشته‌گرایی بسیار اندک بوده و بیشتر معاصر کاری (روش‌شناسی عرضی) در آن غالب است. کارکرد تاریخ‌نگاری محلی جدید، آماده کردن افکار عمومی برای مشارکت در امر توسعه در سطوح مختلف بوده و نویسندگان تاریخ‌های محلی جدید، بیشتر از روشنفکران حرفه‌ای بوده‌اند، هرچند نویسندگان نوپا هم در این عرصه فعال بوده‌اند. این نویسندگان الزاماً اهل همان محلی که درباره آن تاریخ نوشته‌اند، نیستند و نگاه محلی آنها در راستای تاریخ ملی بوده و مطالب تدوین شده از سوی آنها متمایز از فولکلور است. «دایره خوانندگان تاریخ‌نگاری محلی نوین، وسیع، متنوع و متفاوت بوده و نویسندگان آنها، از مشاهدات (تحقیقات میدانی) تاریخ‌های شفاهی و منابع آرشیوی و روزنامه‌ها استفاده می‌کنند».^۱ تفاوت‌های تاریخ‌نگاری جدید با تاریخ‌نگاری سنتی، به مراتب بیش از تشابهات آنهاست. این دو سبک تاریخ‌نگاری محلی، اگرچه در مواردی همچون: درهم‌تنیدگی مباحث تاریخی با جغرافیای تاریخی منطقه، پرداختن به پاره‌ای آداب و رسوم محلی، تحقیقات میدانی نویسنده از حوزه جغرافیایی پژوهش و انگیزه مشترک نویسندگان، تشابهاتی دارند، ولی در موارد بسیاری با هم متفاوت‌اند. آنچه تاریخ‌نگاری محلی قدیم را از تاریخ‌نگاری محلی نوین جدا می‌سازد ویژگی‌های خاص تاریخ‌نگاری قدیم است که تاریخ‌نگاری محلی جدید، چنین خصوصیتی را کمتر دارد. در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت: عمده‌ترین ویژگی‌های تاریخ‌نگاری محلی جدید عبارت‌اند از:

۱. توجه به جزئیات و جزئی‌نگری، از ویژگی‌های اصلی تاریخ‌نگاری محلی جدید (مدرن) است؛
۲. نگارش تاریخ از منظر لایه‌های پایین جامعه، به این مفهوم که در تاریخ‌نگاری محلی جدید از منظر توده و سطوح پایین و متوسط جامعه، حوادث منطقه یا شهر را تدوین می‌کنند؛
۳. ارائه آمارهای دقیق مبتنی بر اسناد و مدارک متقن؛

۱. نورایی، «جغرافیای تاریخی و تاریخ محلی»، تعاملات و تمایزات، کتاب ماه، ش ۱۶۳، ص ۴.

۴. ارائه تحلیل‌های دقیق و مستند در تاریخ‌های محلی جدید؛
۵. مورخان تاریخ‌های محلی جدید بیشتر افرادی مستقل هستند که وابستگی به ساختار حاکمیت ندارند و برخلاف مورخان تاریخ‌های محلی قدیم که بیشتر از دانشمندان و دیوانیان بودند، این مورخان، پژوهشگران مستقلی هستند که به تعلقات علمی وابسته‌اند؛
۶. استناد به اسناد و مدارک آرشیوی؛
۷. عقل‌گرایی و پرهیز از بیان احساسات درباره افراد و شهرها؛
۸. انگیزه مورخان تاریخ‌های محلی جدید، افزون بر بیان محاسن و مفاخر توسعه، روشن‌بینی و تعمق دید در باب شئون اجتماعی و اقتصادی شهر و منطقه جغرافیایی است؛
۹. پرهیز از حاکم کردن سلیقه‌های شخصی و قومی و تلاش برای تدوین آثار تاریخی براساس روش‌های علمی.

۱-۲-۳. تاریخ‌نگاری محلی در طول

تاریخ‌نگاری محلی در طول، به بررسی تاریخ یک شهر، روستا، محله، یا منطقه در دوره‌های تاریخی مختلف، از آغاز تا زمان مؤلف می‌پردازد. نگاه مورخ در این سبک تاریخ‌نگاری، بیشتر بر عنصر زمان دوخته شده است. او حوادث و اتفاق‌های محدود به یک شهر، یا یک منطقه را در سیر زمان، بازسازی و بازگویی می‌کند. برای مثال، در نگارش تاریخ اصفهان، مورخان محلی در هر دوره سعی کرده‌اند بنا بر دیدگاه‌های خود، به بررسی تاریخ این شهر از آغاز (پیش از اسلام) تا پس از اسلام، افسانه‌سازی‌ها، رویدادها و نقش مردم این شهر در این وقایع، شکل‌گیری محله‌های شهر و سرانجام ورود اسلام به اصفهان و تجدید حیات شهر و تبدیل آن به یکی از مهم‌ترین شهرهای جهان اسلام، تا حد امکان بپردازند.^۱

معمولاً این سیر تاریخ‌نگاری، از افسانه‌ها آغاز می‌شود. افسانه‌هایی که به بنیانگذار شهر مربوط می‌شوند و از کسانی چون کیومرث برای اصطخر،^۲ طهمورث برای اصفهان،^۳ کرمان بن هیتال، نوه نوح برای کرمان،^۴ و یا شخصیتی مثل اسکندر برای یزد^۵ نام می‌برند، که مؤسس بسیاری از شهرهای ایران زمین بودند. مورخان محلی، سعی داشتند با رسانیدن خط تاریخ شهر

۱. نورایی، «تنوع موضوعات در تاریخ‌نگاری محلی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان،

۱۳۹۰، ش ۴، ص ۵۳. ۲. ابن زکوب، شیرازنامه، ص ۲۳.

۳. جابری انصاری، تاریخ اصفهان، ص ۳. ۴. وزیری، تاریخ کرمان، ص ۱۸۹.

۵. جعفری، تاریخ یزد، ص ۲۰.

به این گونه شخصیت‌های تاریخی یا اساطیری، به نوعی قدمت و حتی هویتی را برای شهر خویش جستجو کنند. یا اگر خود پدیدآورنده این ماجرا نبودند، با ثبت نام سازنده شهر، به نوعی به اثر خویش اعتبار بخشند، که در این روش، فرهنگ عامه بیشتر مورد نظر قرار گرفته است. پس از آن، بسیاری از مورخان از دوره ایجاد یا تأسیس شهر، به ناگهان و به دلیل نداشتن منبع، از عصر اساطیری عبور کرده، به دوره پس از ظهور اسلام می‌رسند، مانند تاریخ تبریز و کاشان که با زبیده خاتون، همسر هارون الرشید، به عصر تاریخی خود قدم می‌نهند و شیراز، با محمد بن یوسف ثقفی در سال ۷۴ق/۶۹۳م، ایجاد می‌شود^۱ و شهر شدن اصفهان با بنای مسجد جامع آن به عصر منصور عباسی^۲ بازمی‌گردد. دیگر شهرهای اسلامی، به ویژه شهرهای ایران، دارای همین ویژگی بوده و مورخان، تاریخ ساخت این شهرها را به پیش از اسلام، یا شخصیت‌های شاخص سده‌های نخستین نسبت داده‌اند.

با وجود این اسطوره‌سازی‌ها و افسانه‌پردازی‌ها، باید گفت که هنر مورخان محلی در این است که توانسته‌اند در میان منابع و کتاب‌های پراکنده و کهنه برجای مانده پس از این زمان، گاهشماری نسبتاً منظم از حوادث و حاکمان شهر از آغاز تا زمان خویش تنظیم کنند. بدیهی است، آوردن چنین فهرست کاملی به طوری که هیچ دوره‌ای خالی نماند، مستلزم پژوهش و رنج بسیار بوده است. البته این مورخان، وارثان سنتی بودند که در طی قرن‌ها، مورخان تاریخ‌های محلی بنا نهاده بودند.^۳

نگاه در طول، مورخ را ناچار می‌کند تا تاریخ آن شهر یا ایالت را نسبت به دیگر مناطق کشور، برجسته‌تر کند و به دنبال حوادث و اتفاقاتی بگردد که به نوعی با تاریخ آن شهر یا ایالت ارتباط می‌یابند. گذشته دور را می‌توان از میان کتاب‌های و اسناد موجود و تاریخ نزدیک‌تر را با مراجعه به دیده‌ها و شنیده‌های مؤثق، گرد آورد و شهر را به روشنائی تاریخ بکشاند. در این میان معمولاً پادشاهان یا امیران حاکم وقت، به صورت نخ تسبیح حوادث بودند که مورخ سعی می‌کرد با توجه به آنها سر رشته حوادث را کم نکند. چیرگی این نگرش در نگارش‌های سنت قدیم، چشمگیر است.^۴

۱-۲-۴. تاریخ‌نگاری محل در عرض

نوع دیگری از نگرش در حیطه تاریخ‌نگاری محلی، نگاه در عرض است. در این گونه تاریخ‌نگاری، مورخ محلی، به زمان حال خود نزدیک است و موضوع یا موضوعات خاصی را در یک مقطع

۱. ابن زکوب، شیرازنامه، ص ۳۵.

۲. ابی‌نعمین، ذکر اخبار اصفهان، ص ۳۵.

۳. نورایی، «تنوع موضوعات در تاریخ‌نگاری محلی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان،

۴. همان.

۱۳۹۰، ش ۴، ص ۵۳.

زمانی مشخص از شهر و روستای خود را بررسی می‌کند. پیرامون مورخ محلی، انباشته از موضوعات متنوعی است که هم از لحاظ زمانی و هم از جهت مکانی، در نزدیکی وی قرار دارند. نگاه وی خردنگر است و مسائل پیرامون را زیر ذره‌بین قرار می‌دهد، تا از چگونگی ظهور و افول، رشد و نمو، تغییر و تحول، تداوم و انقطاع رویدادها و یا پدیده‌های جامعه اطلاع یابد.^۱ در این نگرش، محدوده فعالیت مورخ محلی، بیشتر اجتماعی و اقتصادی است؛ هرچند می‌تواند سیاسی هم باشد. اما تلاش بر آن است که زوایای پنهان جامعه را نشان دهد و اهمیت وجودی آنها، یا تأثیرهای سوء آنها را بازگوید. در این صورت، کاربری تاریخ‌نگاری محلی متفاوت است و از جمله به مورخ آینده برای فهم امروز مدد رسانی می‌کند. تاریخ‌نگاری محلی در عرض، بیشتر توصیف پدیده‌های «اکنون و پیرامون» در حد و اندازه دید مستقیم، یا شنیده‌های بی‌واسطه است. وقتی مورخ تاریخ محلی با نگاه اندام‌واره‌ای به آب و هوا، پستی و بلندی زمین، محصولات، صادرات و واردات و نیز صنایع یک منطقه نظر می‌دوزد و نیز در توصیف یک شهر آثار و ابنیه مهم آن را برمی‌شمارد و از شخصیت‌ها و نام‌آوران آن یاد می‌کند، نگاهی در عرض داشته است. نگاه در عرض، بیشتر نگاهی «حال‌گرا» است که در قالب‌های جغرافیایی و اجتماعی خودنمایی می‌کند. چنان که می‌دانیم بسیاری از کتاب‌های تاریخ‌های محلی، کلمه «جغرافیا» را به عنوان پیشوند خود دارند. آثاری مانند جغرافیای کرمان و جغرافیای بلوچستان هر دو اثر احمد علی‌خان وزیری، یا جغرافیای اصفهان، اثر تحویلدار که همه در دوره قاجار به نگارش درآمده‌اند.^۲

در یک ارزیابی کلی باید گفت: نکته مثبت و امتیاز یک اثر تاریخ محلی در این است که دو نگاه در طول و عرض را با هم جمع کرده باشد. به واقع، گذشته و حال و تاریخ و جغرافیای جامعه در کنار هم در یک کتاب نشسته باشند.

۳-۱. رابطه تاریخ‌نگاری محلی با تاریخ‌نگاری عمومی

پس از عامل تعیین‌کننده واحد جغرافیایی، آنچه تاریخ محلی را دارای موجودیت می‌سازد، نسبت آن با تاریخ عمومی است. نسبت میان تاریخ محلی و عمومی بسیار ظریف و دقیق است و باید به نحوی تعریف شود که پرتویی روشن‌گر بر هر دو بتابد. چنین پیچیدگی‌ای در رابطه تاریخ محلی با تاریخ جهانی، یا تاریخ عمومی با تاریخ جهانی، وجود ندارد. از سه مقوله تاریخ محلی،

۱. نورایی، «جغرافیای تاریخی و تاریخ محلی»، تعاملات و تمایزات، کتاب ماه، ش ۱۶۳، ص ۶.

۲. همان، ص ۶.

تاریخ عمومی و تاریخ جهانی، تنها تاریخ عمومی یک کشور دارای وضعیت کاملاً روشن و مشخصی است؛ زیرا با مرزهای سیاسی و قلمرو حکومت‌ها و محدوده اقوام، زبان‌ها، حوزه رواج پول و مانند آنها، کاملاً مشخص می‌شوند. به همین جهت تاریخ عمومی یک کشور، قالب معینی دارد و قواعد آن نیز به دلیل کثرت و قدمت به کارگیری و رواج، شناخته شده و معروف است؛ اما تاریخ جهانی به رغم آنکه همه جهان (جغرافیا) و همه انسان‌ها (جمعیت) و همه تاریخ (زمان - از آغاز تاکنون) را دربر می‌گیرد، هنوز دربارهٔ بود و نبود آن، اختلاف نظر وجود دارد. تاریخ محلی نیز موقعیتی ناپایدار دارد، زیرا تاریخ محلی به عنوان جزئی از تاریخ عمومی یک کشور، اساساً به مانند امر جزئی، معنا و مفهوم و موقعیت خود را از امر کلی می‌گیرد.

برای تاریخ محلی به عنوان جزئی از تاریخ عمومی، کمتر می‌توان قلمرو معینی در نظر گرفت، مگر آنکه یک محدوده جغرافیایی کاملاً مشخص داشته باشد.

برای نمونه، گیلان و مازندران، به دلیل آنکه میان دو عامل طبیعی و جغرافیایی کاملاً مشخص، یعنی کوه و دریا واقع شده‌اند و خصوصیات ممتازی چون پربارانی و جنگل دارند، قلمرو تاریخ محلی آنها نیز تقریباً ثابت مانده است؛ اما مکان‌های دیگر، مانند فارس یا خراسان، در طول زمان، محدوده‌شان کم یا زیاد شده است. از این رو، هر زمانی، تاریخ محلی آن محدوده جغرافیایی وضع خاصی خواهد داشت. این نخستین مورد نقص تاریخ‌های محلی در برابر تاریخ‌نگاری محض است.

دوم، آنکه تاریخ‌های محلی برخلاف تاریخ عمومی، دارای صورت مستمر و متصل تاریخی نیستند. از آنجا که تاریخ ملی دربردارنده حاکمیت ملی، هویت ملی و حیات جمعی است، ارائه صورت مستمر آن در طول تاریخ از ضروریات تاریخ‌نگاری عمومی به شمار می‌آید. از این رو، این وجه، تفکیک‌ناپذیر دانسته می‌شود. در حالی که در تاریخ محلی، تاریخ‌نگاری ناظر به برهه‌های تاریخی، به صورت منقطع است. این انقطاع، برخلاف تاریخ ملی، موجب بروز نقص برای تاریخ محلی نخواهد شد؛ زیرا اصولاً معنا یافتن تاریخ محلی، منوط و مربوط و متکی به تاریخ ملی است. اساساً هیچ تاریخ محلی به خودی خود هویت ثابت، کامل و مستمری نخواهد داشت؛ زیرا همواره نواقص خویش را با اتکا و ارتباط با تاریخ عمومی جبران می‌کند. در صورتی که اگر چنین خصوصیتی را برای تاریخ محلی قائل نباشیم، اولاً، نسبت منطقی آن با تاریخ عمومی - اعم از آنکه رابطه کل و جز یا کلی و جزئی دانسته شود - به هم خواهد خورد و ثانیاً، دیگر تاریخ محلی نخواهد بود و نوع دیگری از تاریخ‌نگاری را دربر خواهد گرفت.

از آنجا که اموری مانند، تقویم، روابط خارجی، پول، زبان رسمی و در روزگاران اخیر قانون اساسی، مذهب رسمی، دفاع خارجی، پرچم ملی، تمپر، نشان ملی، سرود ملی و مواردی از این قبیل، همواره و در همه جا در اختیار حکومت مرکزی اند، از این رو، همواره تاریخ محلی نه تنها سطحی نازل تر که طبیعتاً محدوده‌ای بسیار کوچک تر و کمتر دارد. در اصل، عبارت و عنوان «تاریخ محلی» نیز، با توجه به محدود بودن آن به یک واحد جزئی خاص، ذیل تاریخ عمومی اختیار شده است.^۱

با توجه به این موارد می‌توان گفت: تاریخ‌نگاری محلی، فضای گفتگویی را پدید می‌آورد که با مشارکت اجتماعی همه اقوام و انسجام ملی تقویت می‌شود و در این فضا است که منافع ملی بر منافع محلی ترجیح داده می‌شود و این حاصل تاریخ محلی است. فلسفه تاریخ محلی به دنبال انسجام ملی است، اما پژوهش‌های محلی مانند کارد دو لبه‌اند که بسته به هنر مورخ محلی، هم می‌توانند با مشارکت اجتماعی، به انسجام ملی بینجامند و هم می‌توانند با برجسته کردن بخش‌هایی از ویژگی‌ها و شرایط تاریخی یکی از اقوام، به واگرایی آن قوم منجر شوند.^۲

۴-۱. انواع تاریخ‌های محلی

از محتوای بسیار متنوع تاریخ‌های محلی چنین برمی‌آید که نمی‌توان همه آنها را در یک رده و گونه خاص گنجانند. از این رو، برخی محققان بر این اساس برخی مشابهت‌ها و همسانی‌های موجود در این قبیل کتاب‌ها، قائل به تقسیم‌بندی آنها شده‌اند. روزنتال، در یک تقسیم‌بندی کلی، از تاریخ‌های محلی دینی و غیر دینی سخن گفته است.^۳ اما این بیان برخلاف درست بودنش به قدری کلی است که نمی‌توان آن را دقیق دانست. آیین‌ه‌وند، تاریخ‌های محلی ایران را به سه دسته تقسیم کرده و هر یک از آن اقسام را در حوزه‌ای خاص مرزبندی کرده که عبارت‌اند از:

۱. بخش غیر مرتبط با تاریخ‌نگاری اسلامی که در آن انگیزه‌های شعوبی‌گری و گرایش‌های ایران باستانی، باعث تدوین تاریخ‌های محلی شده و مورخان ایرانی را به نوشتن آثاری واداشته که بیانگر ارزش‌های ایران باستان هستند؛

۲. بخش عربی که مورخان مسلمان ایرانی برای نشان دادن تلاش‌های تاریخی حوزه شرق اسلامی، به تدوین آنها همت گماشته‌اند؛

۱. خیراندیش، «صورت‌شناسی تاریخ‌های محلی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیه، ش ۴۶ و ۴۷، ص ۳ و ۴.

۲. سادات، «بایدها و نبایدهای تاریخ‌نگاری محلی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیه، ش ۱۵۶، ص ۲۶.

۳. روزنتال، تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، ص ۱۷۳.

۳. بخش فارسی که مورخان اسلامی ایرانی‌اند که افزون بر ایفای نقش خویش در علوم اسلامی، کوشش می‌کرده‌اند تا به زبان فارسی به عنوان یکی از زبان‌های علمی رایج جهان اسلام، کتاب بنویسند.^۱

این تقسیم‌بندی، هم آرمانی و هم متأثر از نوعی نگاه دینی است. چرا که بیشترین تاریخ‌های محلی، به‌ویژه از سده هفتم هجری به این سو که بیشتر هم به فارسی نگاشته شده‌اند، هم نمایانگر ارزش‌های ایران و هم نشان‌دهنده ارزش‌های دینی هستند، مانند تاریخ‌نامه هرات، شیرازنامه، تاریخ یزد، نیز تاریخ‌های نواحی شمالی ایران، مانند تاریخ طبرستان و مازندران و گیلان.

عبدالرسول خیراندیش با توجه به محتوای تاریخ‌های محلی و صورت‌های موضوعی، زمانی و مکانی آنها و ضمن تأکید بر اینکه باید تاریخ‌های محلی را ذیل تاریخ‌های عمومی در نظر گرفت، طبقه‌بندی نوینی از تاریخ‌های محلی به دست می‌دهد و آنها را در سه قالب تقسیم می‌کند: تاریخ‌های محلی منفرد، تاریخ‌های محلی طبقاتی، تاریخ‌های محلی موضوعی، تاریخ‌های محلی مبسوط، تاریخ‌های محلی و جغرافیایی تاریخی، تاریخ‌های محلی و انساب، تاریخ‌های محلی و علم حدیث، تاریخ‌های محلی و مزارنویسی، تاریخ‌های محلی و امور وقفی و دیوانی.^۲

با توجه به دیدگاه‌های یادشده، می‌توان کلیات، بر تقسیم‌بندی ذیل درباره انواع تاریخ‌های محلی توجه داشت:

الف) محتوای پاره‌ای از تاریخ‌های محلی، بیش از آنکه ایالتی باشد، تاریخ شهری است. بیشتر تاریخ‌های محلی، نوعی تک‌نگاری درباره شهرهایی چون بیهق، هرات، بلخ، بخارا، شیراز و اصفهان هستند. برخی مؤلفان تاریخ‌های محلی صرفاً روی بخش خاصی از شهر یا ایالت مورد نظر توجه کرده‌اند، مانند مجموعه آثاری که تحت عنوان مزارات و روضات درباره مراقد و مقابر شهرهایی چون شیراز، هرات، بخارا و تبریز تألیف شده‌اند. در این آثار، به مسائل سیاسی کمتر توجه شده است؛ مگر آنکه شهر به نوعی پایتخت سلسله محلی باشد، مانند تاریخ‌نامه هرات اثر سیفی هروی.

ب) در کنار این تاریخ‌های شهری با محتوای کمتر سیاسی، تاریخ‌های ایالتی، مانند تاریخ سیستان، تاریخ طبرستان، از ابن اسفندیار و دیگر تاریخ‌های خطه شمال و مجموعه تاریخ‌های کرمان قرار دارند که به نوعی تاریخ‌های محلی عمومی در احوال سیاسی، نظامی، فرهنگی و اداری یک ایالت هستند.

۱. آیین‌وند، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، ص ۱۶۵.

۲. خیراندیش، «صورت‌شناسی تاریخ‌های محلی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیه، ش ۴۶ و ۴۷، ص ۸-۳.

ج) محتوای پاره‌ای از تاریخ‌های محلی، زندگینامه سرشناسان شهر و ایالت است و بیشتر تذکره احوال علمای دینی، با اتکا به تدوین دانش حدیث است که مفهوم و محتوایی کاملاً دینی دارند. تاریخ نیشابور، از حاکم نیشابوری، ذکر اخبار اصفهان از ابونعیم اصفهانی، یا تاریخ جرجان سهمی، از این گونه‌اند.

د) تدوین کتاب‌های مزارات را باید بخشی از تاریخ محلی با رویکردی مذهبی و فرهنگی دانست. کتاب‌های نوشته‌شده دربارهٔ مزارات، در اصل برای تعیین محل دقیق مزارها و راهنمایی زائران تدوین شده‌اند. از نظر تاریخ شهرنشینی، این گونه کتاب‌ها از این جهت اهمیت داشته‌اند که وجود مزار عرفا و علما و اولیا، عاملی برای حفاظت شهر از آفات و بلیات انسانی و آسمانی و طبیعی به شمار می‌آمده و مؤلفان، کتاب‌های خود را به منظور راهنمایی زائران قبور اولیا و صالحین نوشته و از این راه، کسب ثواب می‌کرده‌اند.

و) تاریخ‌های سلسله‌ای محلی، بخشی دیگر از تاریخ‌های محلی به شمار می‌روند و با توجه به اینکه سلسله‌های کوچک محلی بیشتر در یک جغرافیای مشخص به حکومت پرداخته‌اند، تاریخ‌هایی که در شرح احوال آنها نگاشته شده، در زمره تاریخ‌های محلی به شمار می‌آیند.

ه) کتاب‌های جغرافیای تاریخی از دیگر انواع تاریخ‌های محلی به شمار می‌روند. با توجه به رابطه ناگسستگی میان تاریخ و جغرافیا به گونه عام و تاریخ‌نگاری محلی با جغرافیای تاریخی به گونه خاص، این آثار از گونه‌های مهم تاریخ‌های محلی به شمار می‌روند.

ی) وقف‌نامه‌ها نیز به این دلیل که به یک مکان خاص در شهر و منطقه مشخص محدودند و اطلاعات دقیق و مشخصی را در خصوص مکان که وقف شده، یا موقوفاتی که بدان تعلق می‌گیرند، به دست می‌دهند، از دیگر گونه‌های تاریخ‌نگاری محلی به شمار می‌آیند.

۱-۵. اهمیت تاریخ‌های محلی

برای تعیین ارزش و اعتبار تاریخ‌های محلی در میان دیگر منابع و مآخذ تاریخی، از جنبه‌های مختلف می‌توان به سنجش و ارزیابی پرداخت. به نظر می‌رسد پیش از هر چیز، تاریخ‌های محلی از آن جهت دارای اهمیت‌اند که اطلاعات موجود در آنها بیشتر منحصر و معطوف به یک منطقه و محل جغرافیایی خاص هستند، به همین جهت در قیاس با تاریخ‌های عمومی، بیشتر حاوی آگاهی‌های دقیق و گاه تفصیلی از شهر و دیاری خاص است. درست به همین جهت است که

هر یک از تاریخ‌های محلی را باید در حکم پایه و ستونی فرض کرد که می‌توان خیمه تاریخ عمومی را با آن افراشت. به سخن دیگر، می‌توان تاریخ عمومی را در حکم جدولی دانست که خانه‌های آن را تاریخ‌های محلی می‌سازند. صرف نظر از این ارزیابی کلی، می‌توان ارزش و اعتبار تاریخ‌های محلی را از این منظرها نیز برآورد کرد:

۱. تاریخ‌های محلی حاوی جزئیات اند و فایده عظیم این نوع کتاب‌ها، از این حیث است که بوی جزئیات دارند.^۱

۲. تاریخ‌های محلی سرشار از مواد و مطالب کمیاب هستند. این گونه تاریخ‌ها که از وقایع جداگانه یک سرزمین یا از حوادث خاص یک خاندان سخن می‌رانند، از این حیث اهمیت دارند که آنچه آنها می‌نگارند در کتاب‌های دیگر پیداشدنی نیست.^۲

۳. تاریخ‌های محلی، متضمن اطلاعات فراوان در تراجم احوال‌اند و نیز نویسندگان آنها بیشتر و بهتر از دیگران بر احوال شهر و دیار خود واقف‌اند.^۳

۴. تاریخ‌های محلی حاوی آگاهی‌های گرانبها درباره سلسله‌های محلی‌اند؛ زیرا در باب سلسله‌های مستقل محلی که قسمت عمده تاریخ ایران پیش از صفویه حاوی آن است، درواقع مهم‌ترین مرجع همین تاریخ‌های محلی خواهند بود.^۴

۵. تاریخ‌های محلی حاوی آگاهی‌های ارزشمند درباره نظام زمین‌داری، اقتصاد زراعی، شیوه‌های آبیاری و کشاورزی و وضع اوقاف‌اند، «تاریخ‌های محلی گاهی از تاریخ‌های سلسله‌های پادشاهان سودمندتر است، از جهت محتوای مطالب مربوط به عطایای ارضی، اوقاف، روش‌های آبیاری و کشاورزی».^۵

۶. تاریخ‌های محلی مشحون از اطلاعات سودمند در باب احوال اجتماعی‌اند. «هرچند مورخان عموماً برعکس رغبتی که به تألیف تاریخ سیاسی داشته‌اند، به نوشتن تاریخ اجتماعی توجه نکرده‌اند. با این همه، در میان تاریخ‌های محلی، کتاب‌هایی دیده می‌شود که از این قاعده مستثنا و حائز اهمیت است».^۶

۱. افشار، «بیاض سفر»، توس، ص ۵۱۶.

۲. آملی، تاریخ رویان، ص ۵.

۳. صالحی، «کتاب‌شناسی توصیفی تاریخ‌های محلی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیه، ش ۴۴ و ۴۵، ص ۱۲.

۴. زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۵۸.

۵. لمبتون، مالک و زارع، ص ۲۵.

۶. همان، ص ۹ و ۱۰.

۱-۶. محتوای تاریخ‌های محلی

هرچند بیان ویژگی‌ها و اهمیت تاریخ‌های محلی، بیانگر محتوای آنها نیز هست، اما عمده‌ترین مواد و مطالب موجود در تاریخ‌های محلی عبارت‌اند از:

۱. ذکر بیان داستان بنیان و بنای شهر و دیار و گاه ذکر وجه تسمیه آن؛
۲. شرح ویژگی‌های جغرافیایی و طبیعی، بیان مساحت و وسعت شهر و دیار و بیان ویرانی یا آبادانی شهرها و روستاها. وصف آب و هوای نواحی منطقه، نوع زراعت و محصولات و فرآورده‌ها، نوع معادن، صنایع، ذکر مراتع، چشمه‌سارها و چمن‌زارها؛
۳. ذکر محاسن و فضایل منطقه، بیان احوال، خلق و خو، آداب و رسوم، باورها و اعتقادات و مذاهب سکنه، زبان و لهجه؛
۴. وصف مساجد، مدارس، خانقاه‌ها، مزارات بزرگان، کتابخانه‌ها، بناهای باستانی، حصارها، دروازه‌ها، قنوات، بقاع و شرح عجایب و غرایب؛
۵. شرح شورش‌ها و طغیان‌های پدیدآمده در شهرها، ذکر جنگ‌ها و کشمکش‌های روی داده میان مناطق و شهرها، قتل و غارت‌ها، کشتارها و دیگر رویدادهای تلخ و ناگوار؛
۶. احوال رجال، اعم از فرمانروایان، شاهزادگان، سرداران، امیران، وزیران، بزرگان علم و ادب، دانشمندان، شاعران و ادیبان، اقطاب و مشایخ صوفیه، محدثان، فقیهان و قاضیان؛
۷. شرح آداب و رسوم و فرهنگ عامه که گاه به کلی در طول زمان منسوخ شده‌اند؛
۸. بیان اختلاف‌ها و کشمکش‌های مذهبی و فرقه‌ای و نحوه ظهور آیین‌ها و فرقه‌های مذهبی؛
۹. شرح وقایع و حوادث سیاسی، گاه ذکر قساوت‌ها و بی‌رحمی‌های دولتمردان و صاحبان قدرت؛
۱۰. ذکر انواع مالیات و خراج، بیان باج‌خواهی‌ها و باج‌دهی‌ها، وصف اوضاع اجتماعی و اقتصادی شهر و دیاری خاص در دوره‌ای مشخص، اشاره به وضع طبقات مختلف جامعه، گاه شرح زندگی طبقات میانه و فرودست جامعه.^۱

۱-۷. مآخذشناسی

در تدوین این پژوهش، از منابع و مآخذی چند استفاده شده که طیف گسترده‌ای از منابع تاریخی، فرهنگنامه‌ها، کتابشناسی‌ها، منابع ادبی، مقالات را دربر می‌گیرد.

۱. صالحی، «کتاب‌شناسی توصیفی تاریخ‌های محلی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۴۴ و ۴۵، ص ۱۳.

۱-۷-۱. تاریخ‌های محلی

مطمئن‌ترین منابع استفاده‌شده در این پژوهش که دارای اطلاعات ارزنده و قابل اطمینان هستند، تاریخ‌های محلی‌اند که در قالب‌های تاریخ‌نامه‌های محلی، فرهنگ‌نامه‌ها، مزارات، ترجمه تاریخ‌های محلی، تاریخ‌های سلسله‌ای، وقف‌نامه‌ها و منابع جغرافیای تاریخی تدوین شده‌اند. از میانه سده هفتم تا میانه سده دوازدهم هجری، در مجموع ۴۷ اثر شناسایی شده‌اند که جزو اثر، همگی تصحیح و منتشر شده‌اند. مقدمات و تعلیقات که از سوی مصححان این آثار تدوین شده‌اند، دارای اطلاعات و نقدهای ارزشمندی درباره شرح حال نویسنده، اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زمان تدوین کتاب، هستند. آنها افزون بر مطالب یادشده، به محتوای کتاب — چه از نظر شکل و قالب و چه از نظر مطالب و سبک نگارش — نیز پرداخته‌اند که این مقدمات افزون بر اینکه باعث فهم مطالب کتاب شده‌اند، اطلاعات جامع و تکمیل‌کننده‌ای نیز در اختیار خوانندگان قرار می‌دهند.

۱-۷-۲. کتاب‌شناسی

منابع کتاب‌شناسی از جمله آثاری هستند که در آنها افزون بر ثبت عنوان کتاب‌های تاریخ محلی، به محتوای این آثار هم پرداخته و ضمن گزارش مختصری از محتوای اثر، اطلاعاتی درباره نویسندگان تاریخ‌های محلی به دست داده‌اند. نخستین اثر کتاب‌شناسی درباره تاریخ‌نگاری محلی ایران، کتاب الاعلان بالتوئیخ لمن ذم اهل التاريخ، نوشته عبدالرحمن سخاوی (۹۰۲ق/۱۴۹۶م) است که فهرستی نسبتاً مفصل از تاریخ‌های محلی دارد. از حدود پنجاه اثر معرفی شده از سوی سخاوی، بیشتر کتاب‌ها مربوط به دوره‌های پیش از سده هفتم بوده و تنها کمتر از ده کتاب مربوط به پس از سده هفتم هستند. سخاوی در این کتاب به شدت رعایت اختصار کرده و این اختصارنویسی از ارزش کتاب او کاسته است؛ هرچند این نقیصه با پاورقی‌های مفصل و دقیق فرانتس روزنتال تا حدود بسیاری جبران شده است. کتاب دیگری که فهرستی از تاریخ‌های محلی ایران را معرفی کرده، کشف الظنون، اثر حاجی خلیفه (۱۰۶۷ق/۱۶۵۶م) است که فهرستی از کتاب‌های تاریخی است و در ضمن آن، تاریخ‌های محلی را هم معرفی کرده است. این اثر همانند کتاب سخاوی، رعایت اختصار کرده و توضیحات او درباره آثار معرفی شده خالی از اشتباه نیستند. به نظر می‌رسد نویسنده خود، به مطالعه محتوای کتاب‌های معرفی شده موفق نشده است. تاریخ‌های محلی ایران در طی سده‌های هفتم تا

دوازدهم هجری که سخاوی به آنها اشاره کرده، عبارت‌اند از: مواهب الهی، شرف‌نامه، تاریخ طبرستان، رویان و مازندران، سمط العلّی و تاریخ‌نامه هرات.^۱

از دیگر آثار کتاب‌شناسی، می‌توان به کتاب‌های تهیه‌شده از سوی نویسندگان معاصر اشاره کرد. یکی از این آثار الذریعة إلى تصانیف الشیعه، نوشته شیخ آقابزرگ طهرانی است که به معرفی سیزده کتاب از تاریخ‌های محلی در طی سده هفتم تا سده دوازدهم هجری به‌ویژه نواحی شمال ایران پرداخته است.^۲ شیخ آقابزرگ، شرح مختصری درباره مؤلفان نوشته و تنها به سال تدوین آثار اشاره کرده و درباره محتوای کتاب‌های معرفی‌شده مطلبی نگاشته است.

ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، از دیگر آثار کتاب‌شناسی است که درباره سه کتاب مقصد الاقبال، تاریخ یزد و مجمع الانساب شبانکاره‌ای، اطلاعاتی به دست می‌دهد. البته عمده توجه این کتاب به معرفی نسخه‌های خطی و محل نگهداری آنها است.^۳

تاریخ نگارش‌های عربی، از فواد سزگین نیز از آثار کتاب‌شناسی است که حدود ده تاریخ محلی ایران را معرفی کرده است که به‌استثناء ترجمه تاریخ قم،^۴ همه مربوط به پیش از سده هفتم هجری‌اند. دو فصل نخست ترکستان‌نامه، اثر بارتلد اطلاعات ارزشمندی درباره تاریخ‌های محلی خراسان و ماوراءالنهر به دست داده است که از این آثار، دو کتاب در تاریخ هرات و بخارا مربوط به پس از سده هفتم هجری‌اند.

از جمله آثار جدید کتاب‌شناسی، آثار مربوط به قم، از محمدحسین مدرسی طباطبایی است که درباره تاریخ‌های محلی قم، به‌ویژه کتاب تاریخ قم، اطلاعات ارزشمندی به دست می‌دهد. فهرست نسخه‌های خطی فارسی، نوشته احمد منزوی و فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، از خان‌بابا مشار نیز از جمله آثاری هستند که به معرفی کتاب‌های تاریخ محلی ایران پرداخته‌اند. البته این فهرست‌ها به محتوای تاریخ‌های محلی، اشاره‌ای نکرده و تنها به ارائه اطلاعات نسخه‌شناسی اکتفا کرده‌اند.

۱-۷-۳. منابع ادبی

منابع ادبی، از جمله دیگر آثاری هستند که درباره تاریخ‌های محلی می‌توان به آنها رجوع کرد. درباره تاریخ‌های محلی از سال ۶۵۶ تا ۱۳۵۱ق، در منابع ادبی گذشته، اطلاعاتی در دست

۱. حاجی خلیفه، کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون، ج ۲، ص ۱۱۴، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۴۳ و ۱۵۷.

۲. آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۳، ص ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۹، ۲۶۲، ۲۷۶ و ۲۸۴.

۳. برگل، ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ص ۴۹۱، ۵۸۰ و ۷۹۰.

۴. سزگین، تاریخ نگارش‌های عربی، ج ۱، ص ۵۰۲.

نیست، اما آثار ادبی معاصر، اطلاعات ارزشمندی درباره تاریخ‌های محلی به دست می‌دهند از جمله آثاری که در این تحقیق از آنها استفاده شده، کتاب تاریخ ادبیات ایران، از ذبیح‌الله صفاست که در جلد‌های دوم تا پنجم، افزون بر پرداختن به موضوع تاریخ‌نگاری محلی،^۱ بسیاری از تاریخ‌های محلی در طی سده‌های هفتم تا دوازدهم هجری را معرفی کرده است. از جمله آثاری که مؤلف به آنها پرداخته، می‌توان به تاریخ‌نامه هرات، مسامرة الاخبار و مسایرة الاخبار، تاریخ شبانکاره، شیرازنامه، تاریخ رویان، مواهب الهی، شرفنامه، احیاء الملوک و جامع مفیدی اشاره کرد.

مؤلف افزون بر پرداختن به شرح حال نویسندگان تاریخ‌های محلی، گزارش کوتاهی از محتوای کتاب‌ها و ارزش ادبی آنها نیز بیان داشته است. از دو کتاب دیگر ذبیح‌الله صفا به نام‌های گنجینه سخن و حماسه‌سرایی در ایران نیز استفاده شده است. در کتاب گنجینه سخن، مؤلف به چند تاریخ محلی اشاره کرده و افزون بر شرح احوال نویسندگان تاریخ‌ها، قسمتی از متن آنها را نیز آورده است.^۲ در کتاب حماسه‌سرایی در ایران، مؤلف به دو تاریخ محلی: تاریخ طبرستان و تاریخ‌نامه هرات،^۳ پرداخته و گرایش‌های باستان‌گرایی نویسندگان این تاریخ‌های محلی را بررسی کرده است.

کتاب دیگر تاریخ نظم و نثر در زبان فارسی، نوشته سعید نفیسی است. مؤلف در این کتاب به سیزده تاریخ محلی در دوره یادشده پرداخته و ضمن شرح حال نویسندگان این تاریخ‌های محلی، درباره جایگاه ادبی و سبک نگارش این آثار به اختصار مطالبی را بیان داشته است.^۴ تاریخ ادبیات ایران، نوشته ادوارد براون نیز از جمله منابع پژوهشی معاصر است که بسیاری از منابع تاریخ‌نگاری محلی در این دوره را معرفی کرده است.^۵ در این کتاب نیز شرح مختصری از احوالات نویسندگان تاریخ‌های محلی و محتوای کتاب و هم سبک نگارش آنها به دست داده شده است. تاریخ عصر حافظ، از دیگر منابع ادبی است که درباره میزان اثرپذیری و استفاده مؤلف تاریخ جدید یزد از غزلیات حافظ، به تحقیق پرداخته است.^۶

۱. صفا، تاریخ ادبیات ایران، ج ۲ و ۳، ص ۱۱۵۱ و ۱۱۵۲.

۲. همو، حماسه‌سرایی در ایران، ص ۵۰، ۱۱۵، ۱۵۳ و ۲۶۲.

۳. همان، ص ۳۱، ۴۸، ۹۷، ۳۵۸ و ۳۵۹.

۴. نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران، ج ۱، ص ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۴۳، ۲۵۳، ۳۸۲ و ۳۸۳.

۵. برون، تاریخ ادبیات ایران (از سعدی تا جامی)، ص ۱۹۳، ۱۹۶، ۳۰۴ و ۳۸۵.

۶. غنی، تاریخ عصر حافظ، مقدمه، ص مز.